

نقش دولت در حاشیه‌نشین‌سازی (مورد شهر کرمانشاه)•

نگین نظری^۱، محمد فرهادی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴)

چکیده

مسئله اصلی این مکتوب تبیین نقش دولت در حاشیه‌نشین‌شدگی در شهر کرمانشاه است. از این منظر استدلال می‌کند دولت در ایران از طریق دسترسی به رانت و توزیع آن به حاشیه‌نشین‌شدگی برخی گروه‌ها دامن می‌زند که حاشیه‌سازی برخی مناطق شهری تنها یکی از بخش‌های رؤیت‌پذیر آن است. روش این پژوهش انتقادی است و دلالت‌های پنهان داده‌های موجود را در پرتو نظریه اقتصاد سیاسی آشکار می‌کند. این روش به نوع داده حساس نیست و از انواع داده‌های موجود، اسناد و منابع بهره می‌گیرد. پژوهش به این نتیجه رسیده که حاشیه‌نشین‌شدگی در کرمانشاه از آغاز شکل‌گیری دولت مدرن در ایران تحت تأثیر مداخلات دولت از رهگذر برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی پدید آمده و گسترش یافته است. برنامه‌های دولت‌های بعدی نیز برای حل معضل به بنیاد این پدیده اصابت نکرده است. تعبیر حاشیه‌نشین‌شدگی به مثابه پدیده‌ای معلول اقتصاد سیاسی کلان و تحلیل مکانیسم‌های متنوع آن، پیشنهاد این مقاله برای بازاندیشی این معضل اقتصادی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: دولت، حاشیه‌نشین‌سازی، توسعه، اقتصادسیاسی، کرمانشاه.

<https://doi.org/10.22034/jss.2023.542187.1619>

• مقاله علمی: پژوهشی

neginnz425@gmail.com

^۱. کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی

(نویسنده مسئول)

رازی

دانشگاه

جامعه‌شناسی،

^۲. استادیار

ma.farhadi@razi.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱: ۹۶-۷۲

طرح مسئله

فضای کالبدی و اجتماعی شهر در تناظر با مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی قرار دارد و از آنجا که دولت در ایران کارگزار اصلی اقتصاد سیاسی است، مطالعه مقوله حاشیه‌نشینی‌شدگی^۱ بدون در نظر گرفتن دولت، امکان‌پذیر نیست. در کشورهای پیرامونی که هنوز صنعتی نشده و محل تأمین مواد خام برای کشورهای مرکز هستند، زمین از عناصر مهم تولید ارزش افزوده بوده و سوداگری مستغلات، سازوکار تولید ارزش است. از این منظر مناسبات سرمایه‌دارانه در شهر که مرکز تجارت و رقابت هستند بر زمین متمرکز و اقدامات دولت‌ها در بازآرایی فضای شهری به افزایش مداوم قیمت زمین منجر می‌شود. تمرکز خدمات تجاری و اداری در شهر به تقاضای زمین دامن می‌زند و شهر به محمل تولید سرمایه بدل می‌شود.

تغییرات فضای شهری در ایران هم‌زمان با تأسیس دولت مدرن آغاز شد و مدرنیزاسیون ذیل عناوین مختلف از جمله توسعه، تعالی و پیشرفت، فضای اجتماعی و کالبدی شهرها را تا امروز شکل داده است. این وضعیت به تجمع سرمایه و نیروی کار در شهر منجر شد که در کنار کارگزاران دولت، گروه‌های عمده ساکن شهر محسوب می‌شوند. بافت روستایی جامعه ایران با مدرنیزاسیون دولتی با شتاب به سمت شهری شدن رفت و شهرها چهره تازه‌ای پیدا کردند. بر این اساس حاشیه‌نشینی‌شدگی به مثابه واقعیت شهرهای امروز، بخشی از نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شود. هدف اصلی این مقاله توضیح نقش دولت در این پدیده و تبیین مکانیزم‌های حاشیه‌نشینی‌ساز اقدامات دولت در شهر کرمانشاه است.

کرمانشاه به‌عنوان شهری پیرامونی با مناسبات کشاورزی در کشوری پیرامونی، از بسیاری جهات موردی مناسب برای مطالعه نقش دولت در شکل‌گیری فضای شهری است. در سال ۱۳۸۵ نزدیک به ۳۵ درصد از جمعیت این شهر در مناطق حاشیه‌نشینی‌شده زندگی می‌کرده‌اند (اطهاری، ۱۳۹۰: ۱۰)^۲ و تا امروز جمعیت آن‌ها پیوسته رو به افزایش بوده است. در این مکتوب

^۱ . معمارباشی و همکاران (۱۳۹۹) برای تأکید بر نقش دولت در این فرایند مفاهیم «حاشیه‌نشینی‌سازی و حاشیه‌نشینی‌شدگان» را به جای حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی پیشنهاد کرده‌اند.

^۲ . این مقاله تعداد محلات حاشیه‌نشینی‌شده یا حتی جمعیت آن‌ها را معیار اهمیت این مسئله نمی‌داند. این آمار رسمی با رویکرد کالبدی فراهم شده و تصویر درستی از گستره مناطق حاشیه‌نشینی‌شده کرمانشاه به‌دست نمی‌دهد. منطق حاشیه‌نشینی‌سازی و مناسبات اقتصادسیاسی موجد آن در مرکز توجه این نوشته است که با رویکرد آکادمیک برای طرح و حل یک مسئله سازگارتر است. رویکرد بوروکراتیک معطوف به کمیّت این پدیده است (و همین هدف، رویکرد نظری متبوع آن را تعیین می‌کند) و حدی از این پدیده را قابل تحمل می‌داند.

با رویکردی تاریخی مراحل مختلف شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین‌شده در کرمانشاه مورد مطالعه قرار می‌گیرند و نسبت آن‌ها با برنامه‌های دولت‌های مختلف و اثر آن بر حاشیه‌نشینی بررسی می‌شود.

مبانی نظری

در کشورهایی که سرمایه‌داری وارداتی به آن‌ها تحمیل می‌شود «دولت به‌عنوان عامل سرمایه، طبقات را پدید می‌آورد و در روابط بین نیروهای طبقاتی و فرایند تولید، توزیع و مصرف نقش مهمی ایفا می‌کند و در ادامه خود مغلوب طبقات مسلط می‌شود» (نعمانی، ۱۳۹۹: ۸). از آنجا که به‌دلیل انحصار صنعت و تکنولوژی و قانون گردش سرمایه در این کشورها سرمایه‌داری صنعتی شکل نمی‌گیرد، سرمایه‌داری ملی و سوداگری زمین و مسکن جای آن را می‌گیرد. در تثلیث مقدس زمین، کار، و سرمایه که مارکس راز تولید اجتماعی می‌نامید (مارکس، ۱۳۹۶: ۸۲۳)، زمین در این کشورها نقشی اساسی ایفا می‌کند.

در همین راستا، هاروی (۱۳۹۲) زمین را در قالب فضا تحلیل می‌کند و چرخه دوم انباشت سرمایه را حاصل غلبه سرمایه‌داری بر فضای شهر و کالایی کردن آن معرفی می‌کند. او تصریح می‌کند شهر به‌مثابه محمل سرمایه خود به کالا بدل شده تا جایی که می‌توان شهری شدن سرمایه را موج دوم سرمایه‌داری و چرخه دوم انباشت نامید (هاروی، ۱۳۹۲: ۳۱). این وضعیت حاصل تلاش سرمایه‌داری برای عبور از بحران رکود در انباشت اولیه است که با کالایی کردن زمین و فضا ارزش افزوده لازم برای بقای خود را تأمین کند. هاروی مکانیسم سرمایه‌داری برای تولید ارزش افزوده از شهر را در دو شکل زمین (محیط مصنوع برای تولید) و فضا (محیط مصنوع برای مصرف) تحلیل می‌کند. چرخه دوم انباشت یعنی سرمایه‌گذاری در محیط مصنوع و ایجاد چشم‌انداز فیزیکی تمام‌عیار برای تولید، گردش، مبادله و مصرف که جریان سرمایه را به سمت دارایی‌های ثابت و تشدید مصرف هدایت می‌کند (همان).

براساس تحلیل هاروی استخراج ارزش اضافی از زمین بدون تولید محصول، نوعی از بازار زمین را پدید می‌آورد که سود در آن نه حاصل تولید که محصول دامن زدن به شکل‌های مختلف مصرف است. به همین دلیل او زمین را سرمایه‌صوری (همان: ۳۲) می‌نامد. سرمایه‌صوری نوعی رانت است که خود سرمایه‌داری با تولید فضا در شهر پدید می‌آورد که با

تعیین حد قابل تحمل هم معیار مشخصی ندارد و وضعیت کلان اقتصادی و سیاسی آن را تعیین می‌کند که ممکن است تحت شرایطی همین آمار هم عادی شود.

مکانیزم‌های مختلفی از جمله جدایی‌گزینی مسکونی و در نتیجه دسترسی متفاوت به منابع کمیاب برای تصرف ظرفیت بازار ایجاد می‌شود (همان: ۱۷۹).

این وضعیت رانتی پدید می‌آورد که اساس آن پرداخت پول در ازای استفاده از زمین و متعلقات آن در قالب فضا است بر همین مبنا چرخه دوم انباشت سرمایه با کالایی‌سازی فضای شهری امکان‌پذیر می‌شود. کالایی‌سازی با اشکال مختلف متجلی می‌شود که فضاهای مختلط تجاری، تفریحی، سرگرمی یکی از مصادیق آن است.

دولت در ایران با تغییر آماره فضای شهری متولد شد و از آن پس شهر به خدمت گردش سرمایه درآمد و لذا کاربری زمین، فعالیت‌ها و فضاهای شهری معطوف به تولید ارزش افزوده شدند. این فرایند به تفکیک طبقاتی شهر منجر شد و گروهی از افراد از قلمرو رسمی شهر طرد شدند. طردشدگان عموماً از فرودستان شهری و قربانیان توسعه آماره و نامتوازن بودند که به شهر مهاجرت کرده بودند. این گروه در شهر جذب مشاغل خدماتی با دستمزد پایین می‌شوند و لذا از بازار مسکن پایدار کنار گذاشته می‌شوند.

این دسته از ساکنان شهر با عنوان حاشیه‌نشین توصیف می‌شوند، اما به واسطه مناسباتی که آن‌ها را به این روز انداخته است. در این مقاله با مفهوم «حاشیه‌نشین‌شدگان» و سازوکار آن با مفهوم «حاشیه‌نشین‌سازی» معرفی می‌شود. ما بقی این متن معطوف به ارائه شواهد تاریخی برای توضیح نقش دولت در حاشیه‌نشین‌سازی در شهر کرمانشاه است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر انتقادی است. روش انتقادی معطوف به توضیح وضع موجود و افشای دلالت‌های پنهان آن است. این روش به نوع داده حساس نیست و از همه انواع داده‌های کمی و کیفی بهره می‌گیرد. در این روش با توصیف دقیق وضعیت، مناسبات برساننده آن آشنادایی می‌شوند (مونسی^۱، ۲۰۰۶: ۵۲). راهنمای تحلیل این داده‌ها نظریه متبوع تحقیق یعنی اقتصاد سیاسی است. در مورد این پژوهش مناسبات کلان اقتصاد سیاسی که به حاشیه‌نشین‌سازی منجر شده هدف اصلی تحلیل داده‌هاست. اعتبار این تحلیل به اعتبار نظریه متبوع تحقیق و قوت تبیین وابسته است.

تحلیل یافته‌ها

^۱. Muncie

داده‌های تحقیق از منابع تاریخی و اسناد و گزارش‌های رسمی فراهم آمده است. با توجه به موضوع تحقیق نقش دولت‌ها در فضای شهر کرمانشاه راهنمای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌هاست. از این جهت در وجه تاریخی این مکتوب به سرآغاز نقش دولت در شهر و چگونگی امتداد آن از رهگذر برنامه‌های دولتی در نظام‌های مختلف سیاسی در شهر کرمانشاه می‌پردازد.

پهلوی اول

دولت مدرن در ایران از سوی رضاخان بنیان گذاشته شد که حاصل غصب قدرت از بالا با حمایت کشورهای خارجی بدون حمایت نیروهای اجتماعی بود. او با اقداماتی نظیر اسکان عشایر، تأسیس صنایع، ارتش و خدمت سربازی، اصلاح و توسعه شبکه راه‌ها، مدرنیزاسیون را در ایران آغاز کرد که اولین اثرات آن در فضای شهری پدیدار شد. دولت وقت حجم سرمایه‌گذاری را از ۸/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۰۵ به بیش از دو برابر یعنی ۱۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۱۷ افزایش داد (حسامیان، ۱۳۶۳: ۲۵) و سهم بودجه صنعتی و زیرساختی به ۴۸ درصد کل هزینه‌های دولتی رسید (نعمانی، ۱۳۹۹).

رضاشاه برای سازگاری شهرهای سنتی ایرانی با ضرورت‌های مدرنیزاسیون دست به تغییر فضای کالبدی شهر زد؛ خیابان‌کشی در این دوره اصلی‌ترین عامل تغییر فضای اقتصادی و اجتماعی شهرها بود. این سیاست با تصویب «قانون تعریض و توسعه معابر» مصوب ۱۳ آبان سال ۱۳۱۲ (ایلرز و فلور^۱، ۱۹۹۳: ۲۵۵) به تخریب بافت کارکردی شهر و از بین رفتن اجتماعات محلی و برهم‌زدن سامان سنتی شهرها منجر شد.

تغییر فضای کالبدی و اجتماعی کرمانشاه نیز طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ با کشیدن خیابان‌هایی شروع شد که از دل بافت قدیمی شهر عبور می‌کرد. این طرح که تحت تأثیر مهندسان فرانسوی اجرا شد به سازمان اقتصادی و اجتماعی مرکز شهر توجهی نداشت، اما نقش مهمی در تحول آتی شهر از جمله حمل‌ونقل موتوری، خانه‌سازی، ارزش‌های اجتماعی جدید (آموزش، بهداشت، تحرک مکانی در شهر و ...) و تغییر الگوهای اقتصادی محلی داشت که افول بازار سنتی یکی از آن‌ها بود (کلارک و کاستلو^۲، ۱۹۷۳: ۱۱۵).

سیاست رضاخان در اقلیم قبیله‌ای کرمانشاهان، اسکان عشایر و کوچ آن‌ها به شهر بود، زیرا فکر می‌کرد مناسبات قبیله‌ای در قرن بیستم موضوعیت ندارد بود (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۴). خیابان‌کشی‌ها باعث شکل‌گیری فضای تجاری مدرن در مقابل بازار سنتی شد که سایر

^۱ . Ehlers & Floor

^۲ . Clark & Costello

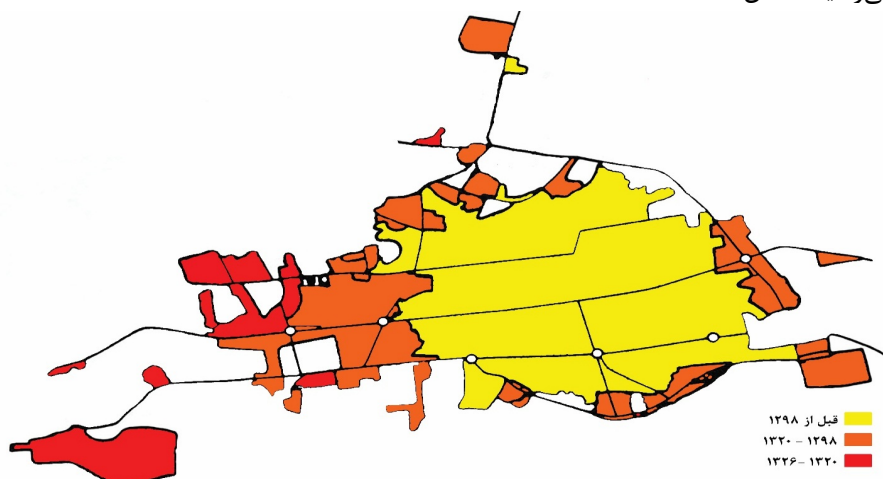
تغییرات در مناسبات طبقاتی، اقتصادی و اجتماعی را توضیح می‌دهد. براساس جایی همین خیابان‌ها از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۹ یک محله کلاس‌بالا در جنوب‌غربی شهر - محلی که خیابان‌های شهر به آن منتهی می‌شد - به صورت باغات محصور پدید آمد که محل اسکان ثروتمندانی شد که پیش از این در همه محلات شهر پراکنده بودند (همان: ۱۱۵). تا پیش از این شواهدی درباره تقسیم طبقاتی محلات شهر کرمانشاه دیده نمی‌شود، بلکه خانواده‌های بزرگ براساس گروه‌بندی قومی و مذهبی در یک شهر ناهمگن از نظر فرهنگی سکونت داشتند (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۴ به نقل از رابینو، ۱۹۰۳).

ضاین الگوی رشد در کرمانشاه همانند سایر شهرهای ایران از جمله تهران به واسطه آب و هوای بهتر این مناطق اتفاق افتاد. صاحبان زمین نیز از این مؤلفه بیشترین بهره‌برداری را می‌کردند. خیابان‌کشی در شهر هم به قطعی‌شدن شهر شدت بخشید و محلاتی که به حمل و نقل موتوری دسترسی داشتند ارزش بالاتری پیدا کردند و همین تفکیک محلی به تمایز اجتماعی و شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی تازه‌ای دامن زد که تجمع فقرای شهری در محلات قدیمی از آن جمله بود. بخشی از این خانه‌ها از سوی زمین‌داران ساخته شده بود و به کارمندان دولت و افسران ارتش اجاره داده می‌شد (همان). فقرای شهری و مهاجران در محلات قدیمی شهر و برخی کاروان‌سراها مستقر بودند؛ خانه‌های خشت و گلی، نرخ باروری بالا، بیماری‌های عفونی، فقدان آب و برق و سواد پایین از مختصات این محلات بودند. مناسبات اجتماعی سنتی در همین محلات رونق بیشتری داشت و مساجد، حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه‌ها از اماکن اثرگذار در این محلات محسوب می‌شدند (همان: ۱۱۶-۱۱۸).

تأسیس کارخانه‌ها و صنایع در شهرها دومین عامل تغییر فضای شهر در این دوره بود. پالایشگاه نفت کرمانشاه در سال ۱۳۱۵ در کرانه قره‌سو در شمال کرمانشاه تأسیس شد که به جابه‌جایی اهالی روستای شاطرآباد در مجاورت این پالایشگاه منجر شد (گلنام، ۱۳۶۱: ۹۵). رانده‌شدگان این روستا به نقل مکان به زمینی در جنوب شهر و در مجاورت آبشوران مجبور شدند و از اولین گروه‌های حاشیه‌نشینی‌شده در کرمانشاه محسوب می‌شوند.

به واسطه سلب مالکیت از ساکنان زمین‌های این تأسیسات صنعتی و همچنین شهرک‌سازی برای کارمندان آن‌ها، تغییر فضای کالبدی و اجتماعی شهر شتاب بیشتری گرفت. رانده‌شدگان در مناطق ارزان‌قیمت بیرون شهر حاشیه‌نشینی شدند و کارمندان صنایع در خانه‌های سازمانی طبقه جدیدی در شهر پدید آوردند. یکی از اولین شهرک‌های دولتی، مجموعه‌ای مسکونی بود که در مجتمع پالایشگاه نفت در ۴ کیلومتری شمال شهر کرمانشاه توسط شرکت نفت انگلیس و فارس (ایران) در اواخر دهه ۱۳۰۹ ساخته شد (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۸). به واسطه

اقداماتی از این دست در شهر و همچنین شهرهای مجاور برای تأسیس شبکه حمل و نقل، شهرنشینی در کرمانشاه رونق گرفت. جمعیت کرمانشاه در سال ۱۳۲۵ به ۸۸ هزار و ۶۲۲ نفر می‌رسید (همان: ۱۱۳).



نقشه ۱. تغییرات ابعاد شهر در دوره رضاخان (منبع: کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۵۸)^۱

در این دوره دولت عامل اصلی تغییر فضای شهری کرمانشاه در این دوره بود. پهلوی اول به‌جز طرح‌های شهری با دو مکانیسم ابتدایی، طبقه‌بندی شهر و نابرابری محلات مختلف را تشدید می‌کرد؛ اول به‌واسطه پرداخت حقوق و دستمزد به کارمندان دستگاه‌های اداری، صنعتی و خدماتی که پول قابل توجهی به اقتصاد شهر تزریق می‌کنند؛ و دوم، تخصیص اعتبارات عمرانی از محل بودجه دولت به اقتصاد شهر که در قالب طرح‌های توسعه بناهای اداری، آموزشی، بهداشتی و خدماتی فضای شهر را تغییر می‌دهند (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). بر همین اساس هرگاه دولت تضعیف می‌شد یا با مشکلات اقتصادی مواجه بود توسعه فضای شهر نیز راکد می‌شد. به همین دلیل علی‌رغم تغییرات شهر در آغاز دولت رضاشاه، در سال‌های منتهی به ۱۳۲۰ و آغاز جنگ دوم جهانی، با تضعیف دولت مرکزی میزان سرمایه‌گذاری در کشور با کاهش ۴۰ درصدی به ۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۲۰ رسید.

پهلوی دوم

^۱ . به‌روزرسانی و طراحی مجدد نقشه‌های کتاب کلارک و کلارک به سعی آرش شهبازیان انجام شده است.

در سال‌های جنگ جهانی و اشغال ایران از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۴ شهر کرمانشاه نیز دستخوش ناآرامی و اعتراض بود و رشد شهر تغییر محسوسی نداشت. جمعیت کرمانشاه از ۸۸ هزار و ۶۲۲ در سال ۱۳۲۰ به ۱۲۵ هزار و ۴۳۹ نفر در سال ۱۳۳۵ افزایش یافت (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۱۰). نرخ رشد جمعیت کرمانشاه در این سال‌ها ۲/۷ بوده که تقریباً برابر رشد جمعیت در کل کشور ۲/۶۵ بوده است که تنها ۰/۵۳ آن نتیجه مهاجرت و مابقی رشد طبیعی جمعیت شهری است (حسامیان، ۱۳۶۳: ۱۹).

طی این سال‌ها گسترش شهر کرمانشاه در جهت جنوبی و جنوب غربی سرعت بیشتری داشت؛ از جمله تکمیل خیابان پهلوی (شریعتی) و اتصال خیابان نواب به خیابان سپه/ شاپور (مدرس/ دبیر اعظم) کامل شد (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۵۱). گسترش در این جهت به واسطه برنامه‌های دولت قبل در خیابان‌کشی شهر و تأسیس شرکت نفت در جنوب شهر بود.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، شماری از دهکده‌های مجاور شهر با توسعه شهر به بخشی از شهر تبدیل شدند و زمینی که در گذشته مورد استفاده کشاورز قرار می‌گرفت، اکنون جزئی از مناطقی شده بود که در آن ساخت‌وساز صورت می‌گرفت و بسیاری از کشاورزان به کارگران روزمزد در این حوزه تبدیل شدند. جمعیت کرمانشاه در سال ۱۳۲۵ از ۸۸ هزار و ۶۲۲ به ۱۸۷ هزار و ۹۳۰ در سال ۱۳۴۵ رسید (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۳). جمعیت شاغل در بخش کشاورزی شهری کرمانشاه از ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ کاهش پیدا کرد (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۱۰۵). رشد جمعیت کرمانشاه در این سال‌ها ۴/۱ درصد بوده است (خسروی، بی‌تا: ۱۳). در این میان نیز رشد و توسعه شهری بر گستردگی این مناسبات افزود؛ گسترش «صنایع» در رشته‌های گوناگون «خدمات» مربوط به آن‌ها را نیز پدید آورد که نیاز شهر به نیروی انسانی و مهاجرت روستاییان را دامن زد (گلنام، ۱۳۶۱: ۳۰).

در همین سال‌ها نیز بسیاری از باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی مخصوصاً در شمال شهر جای خود را به صنایع گوناگون و خانه‌سازی دادند، در نتیجه آب آبخوران و آب قنات‌ها به جای این‌که برای آبیاری به مصرف برسد، بیشتر صرف طرح‌ها و برنامه‌های شهر و ساخت‌وساز می‌شد. کاهش زمین‌های کشاورزی و شیوه تولیدی جدیدی که آغاز شده بود نیازمند نیروی انسانی بود و در کاهش تعداد کارگران کشاورزی در شهر کرمانشاه نقش مؤثری داشت (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۸۴).

از سوی دیگر کرمانشاه به واسطه موقعیت مرزی و استراتژیکی و کوهستان‌های صعب‌العبور مکان مناسبی برای تأسیس پایگاه‌های نظامی بوده است. بر این اساس پایگاه‌های نظامی و پادگان‌ها نیز به عاملی مهم در جابه‌جایی جمعیت روستایی بدل شدند. ایجاد پایگاه و تأسیسات

نظامی در زمین‌های روستاییان سبب نابودی دو دهستان «پایروند» و «ناودر بند» و دهکده «نوکان» شد. اقداماتی از این دست موجب آوارگی روستاییان این دو دهستان شد و کشاورزان این مناطق در تأسیسات نظامی و هوانیروزی که بر زمین‌هایشان قرار گرفت بود به کار ساختمانی مشغول شدند (گلنام، ۱۳۶۱: ۶۵).

در این سال‌ها کرمانشاه به‌عنوان یک بازار و مرکز تجاری برای مناطق اطراف دامنه وسیعی از خدمات فراهم می‌کند. در بخش اجرایی، این امر به‌واسطه نقش شهر به‌عنوان محل زه‌کشی سرمایه منطقه‌ای، بازتاب می‌یابد. رشد جمعیت شهر بخش خدمات را توسعه بخشیده است و افراد بسیاری در این مشاغل جذب شده‌اند. گسترش طبقه متوسط از جمله معلمان، پرسنل ارتش، تجار و بازرگانان و مدیران و کارگران شرکت نفت مشتری‌های مشاغل خدماتی هستند؛ از جمله شمار وسیعی از خدمتکاران خانگی و خصوصی که در بسیاری از موارد توسط گردهایی برآورده می‌شود که به‌علت سیاست‌های اسکان دولتی به نواحی شهری نقل مکان کرده‌اند (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۹۸).

جدول ۱. آخرین شغل رئیس خانوارهای نمونه بعد از مهاجرت (منبع: گلنام، ۱۳۶۱: ۱۶۲)

ردیف	آخرین شغل	تعداد خانوار	توضیحات
۱	کارگر	۲۱	۱. کارگرها اغلب هر کار باشد می‌کنند،
۲	کاسب و فروشنده	۱۹	عده‌ای در چندین کار مختلف کار کرده‌اند و تجربه دارند. بیشتر آن‌ها در کارهای ساختمانی
۳	صنعتگری و کارهای ظریف	۸	به عملگی مشغول‌اند. عده‌ای خیلی کم در
۴	ساختمانی	۵	کارخانه‌ای دست به‌کارند و این بیشتر به دلیل بی‌سوادی است که آن‌ها را در کارخانه قبول
۵	رانندگی	۴	ندارند، زیرا آن‌ها حداقل سواد را هم ندارند.
۶	حقوق‌بگیر دولت	۴	۲. فقط یکی از کسانی که به کار رانندگی مشغول‌اند، ماشین متعلق به خودش بود که آن
۷	فقط کشاورزی و دامداری	۵	هم در این اواخر به‌دلیل فشار مالی فروخته بود. بقیه آن‌ها در قبال رانندگی ماهیانه از صاحب
۸	کشاورزی و دامداری و شغل‌های دیگر (دکانداری)	۴	ماشین حقوقی دریافت می‌کردند.
	شغل‌های دیگر	۷۰	۳. از حقوق‌بگیران دولت یکی رفتگر شهرداری، یکی درجه‌دار ارتش و یکی دربان یک اداره و فقط یک نفر کارمند بهداری بود که از شهر به حاشیه‌نشینی آمده بود.
	جمع کل خانوار		

در کرمانشاه شرکت نفت همچنین ۱۵۰ واحد مسکونی در یک کیلومتری شرکت برای کارگران ساخته است که با طراحی جذاب و رویکرد برنامه‌محور یکی از نمونه‌های موفق مسکن ارزان‌قیمت در ایران محسوب می‌شود. مدارسی برای کودکان کارکنان فراهم شده است و این شرکت خدمات بهداشتی و رفاهی و یک کلینیک را اداره می‌کند و امکانات خرید مشارکتی را ارائه می‌دهد. همچنین کمبود مسکن مناسب باعث شد وزارت مسکن با تأمین مالی سازمان برنامه ۴۰۰ واحد مسکونی یک‌طبقه در ۳ کیلومتری شمال شهر قدیمی بسازد (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۸). این طرح که در کنار تنها منطقه مسکونی باکلاس جدید در جنوب شهر ساخته شده، منطقه‌ای سرسبز در مرز با شمال شهر پدید آورده است. این تلاش دولت مرکزی معطوف به ارائه مسکن یارانه‌ای برای تعداد روزافزون کارمندان دولتی و رده‌های متوسط در شهر است. هنوز برای گفتن موفقیت‌آمیز بودن این طرح زود است، اما اندازه و ماهیت واحدهای مسکونی و سیاست تخصیص نشان می‌دهد که منطقه متمایز طبقه متوسط در حال توسعه است. از بسیاری جهات هر سه تحول [مسکن] مدیران نفتی، کارگران نفت و مسکن دولتی به‌طور قابل توجهی با شهر گسترده و [اداری] برنامه‌ریزی در تضاد هستند (همان).

خدمات شهری مهم‌ترین معیار تفکیک مناطق در این سال‌ها بود. مناطق جنوبی و تازه‌ساز شهر از امکاناتی مانند برق، آب و فاضلاب و فضاهای فراغتی برخوردار بود که در مناطق شمالی و قدیمی شهر در دسترس نبود. بافت قدیمی شهر که به دلیل عدم دسترسی موتوری به آن به منطقه‌ای متروک بدل شده بود اکنون بخش کم‌ارزش شهر محسوب می‌شود (کلارک و کاستلو، ۱۹۷۳: ۱۱۵). بخش قدیمی شهر به محل اسکان مهاجران فقیر از شهرها و قبایل اطراف بدل شده‌اند. برخی از این مهاجران هم در کاروان‌سراهایی اسکان می‌یابند که دیگر نقشی در تجارت ندارند و متروکه هستند (همان: ۱۱۷). محلات جدید در جنوب غربی شهر نقطه مقابل این محلات قدیمی هستند. ارزش ملک در این محلات تابعی از نزدیکی به خیابان اصلی است؛ هرچه دورتر ارزان‌تر. در دهه ۱۳۴۰ قیمت زمین کنار خیابان از ۵۰۰ ریال تا ۳۰۰۰ ریال در نوسان بود. زمین‌های داخل بلوک‌های شهر نیز از ۲۰۰ ریال تا ۱۰۰۰ ریال خرید و فروش می‌شد (همان: ۱۱۴-۱۱۶).

طبق سرشماری جمعیت در سال ۱۳۴۵، ۱۶۶۳۳ واحد مسکونی از کل ۱۸۳۹۴ واحد، از آب لوله‌کشی شهری استفاده می‌کردند: ۱۱۶۰۴ مورد، آب لوله‌کشی در داخل خانه دارند، در حالی که ۵۰۲۹ مورد از پمپ و دیگر وسایل جمع‌آوری آب از منابع آب شهری استفاده می‌کردند که در داخل خانه قرار نداشتند (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۱۹۹). در زمینه فاضلاب

شهری نیز محلات قدیمی شهر در این طرح سهمی نبردند و سهم محلات تازه تأسیس و ثروتمند نشین شد (همان: ۲۰۱).

برق نیز در فضای شهری همچون موارد ذکر شده از جانب دولت تأمین می‌شد. به صورت کلی در شهریور ۱۳۴۵ حدود ۱۵۴۰۲ مصرف‌کننده وجود دارد و طبق سرشماری جمعیت ۱۳۴۵، ۱۲۰۷۴ واحد مسکونی از ۱۸۳۹۴ کل واحدهای مسکونی شهر برق دارند (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۲۰۹).



نقشه ۲. قیمت زمین در کرمانشاه - دهه ۱۳۴۰ (منبع: کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۲۳۹)

برنامه مدرنیزاسیون پهلوی دوم پس از مخاطرات انتقال قدرت و کودتای ۱۳۳۲ و کنار زدن نیروهای اجتماعی به رهبری مصدق، شتاب بیشتری گرفت. درآمدهای نفتی پشتوانه برنامه‌های نوسازی از بالا قرار گرفت و برخلاف برنامه اول توسعه که عدم تأمین مالی و کشمکش‌های سیاسی ملی شدن صنعت نفت و قطع درآمد دولت آن را با کم‌ترین اقدامات به تعطیلی کشاند (سازمان برنامه، ۱۳۴۳: ۲-۳) برنامه توسعه هفت ساله دوم در اسفند ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اعتبار اولیه برای تکمیل طرح‌های برنامه اول و اجرای برنامه دوم ۷۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شد که با تجدید نظر این رقم به ۸۴ میلیارد ریال افزایش یافت (همان: ۳). پشتوانه این برنامه درآمدهای فزاینده دولت از نفت بود. ذخیره ارزی دولت ایران از ۵/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۳۴ به ۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۳۶ رسید (سازمان برنامه، ۱۳۴۳: ۵).

مصرف‌گرایی و افزایش واردات کالاهای مصرفی پیامد درآمدهای نفتی بود که بلندپروازی شاه را تحریک می‌کرد.

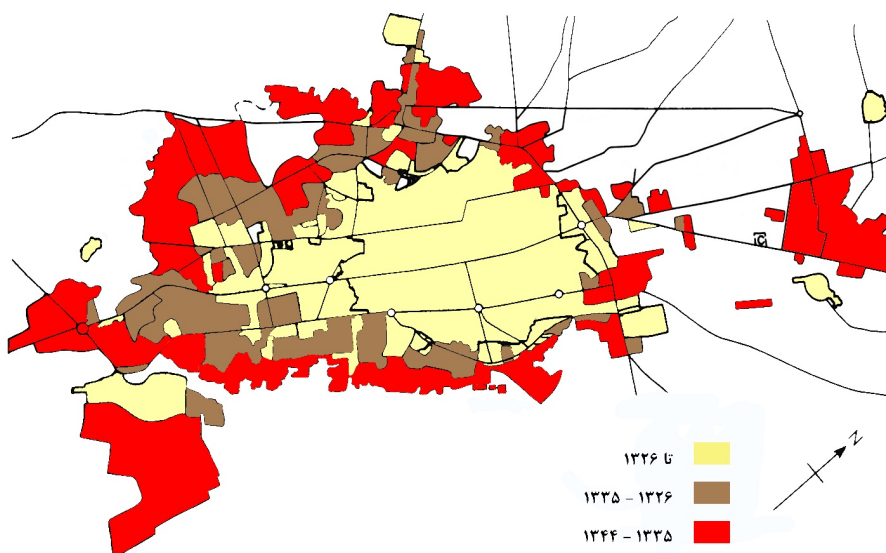
برنامه دوم توسعه به انقلاب سفید و مهم‌ترین محور آن یعنی اصلاحات ارضی ختم شد و مجموعه‌ای از تغییرات در ساخت طبقاتی و اجتماعی پدید آورد که به قطبی شدن بیشتر طبقات اجتماعی و گسترش طبقه متوسط منجر شد (سوداگر، ۱۳۶۹: ۱۷۰). مهاجرت روستاییان رها شده از مناسبات زمین‌داری به شهر، چهره شهر و روستا را تغییر داد.

بعد از اصلاحات ارضی و تا سال ۱۳۵۴، ۶۶ درصد خوش‌نشینان و ۶۰ درصد خانوارهای دارای کم‌تر از ۱/۵ هکتار زمین مهاجرت کردند، اما از بین خانوارهای دارای بیش از ۴ هکتار زمین تنها ۲۷ درصد دست به مهاجرت زدند (خسروی، بی‌تا: ۱۱۳). تأسیس شرکت‌های کشت و صنعت و سهامی زراعی که زمین‌های کوچک را به هم متصل می‌کرد نیز باعث بیکاری برخی از نسق‌داران و تازه‌زمین‌داران بعد از اصلاحات ارضی شد و موج مهاجرت به شهر را تشدید کرد (همان: ۳۲۰).

تحت تأثیر اصلاحات ارضی در روستا و برنامه‌های توسعه شهرنشینی جمعیت کرمانشاه از ۱۲۵ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۲۹۷ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید. در پاسخ به نیاز مسکن طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ دولت ساخت شهرک‌های آناهیتا، ۲۲ بهمن، آبادانی و مسکن و الهیه را آغاز کرد. مترائ بالای قواره‌های زمین - ۳۰۰ متر و بالاتر - و قیمت بالای زمین‌های داخل شهرک، باعث شد فرودستان شهری و مهاجران روستایی توانایی خرید مسکن در این شهرک‌ها را نداشته باشند (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۷۱). از سوی دیگر توسعه شهرک‌ها باعث ادغام روستاها با شهر شد و خرید و فروش زمین‌های کشاورزی باعث بورس‌بازی زمین و املاک و افزایش قیمت خارج از توان مالی فرودستان شهری شد. چاله‌چاله، چقامیرزا، چقاکیبود و چقاگلان از جمله روستاهایی هستند که از سال ۱۳۵۵ در شهر ادغام شدند (ایراندوست، ۱۳۸۰: ۴۵).

نیروی کار ساخت این شهرک‌ها و همچنین شاغلان خدماتی شهر به‌واسطه نقش کارکردی که نیروی ارزان کار محسوب می‌شوند از برنامه رسمی مسکن بیرون ماندند و به‌ناچار در مناطق ارزان‌قیمت شهر ساکن شدند. تا پایان حکومت پهلوی دوم مناطقی حاشیه‌نشینی شده‌ای که فرودستان را در خود جای داده بودند رشد چشم‌گیری داشتند؛ شاطرآباد زمین وقفی بود و اوقاف از واگذاری آب به کشاورزان این منطقه خودداری می‌کرد تا زارعان به واگذاری زمین‌های کشاورزی خود مجبور شوند. شاطرآباد به‌دلیل ارزانی زمین‌ها یکی از کانون‌های تجمع فرودستان شهری شد (گلنام، ۱۳۶۱: ۹۷-۹۹). باغ‌نی یکی از روستای شهر کرمانشاه بود که زمین‌های آن در زمان اصلاحات ارضی به طور مجانی از سوی دولت غصب شد. رشد و توسعه

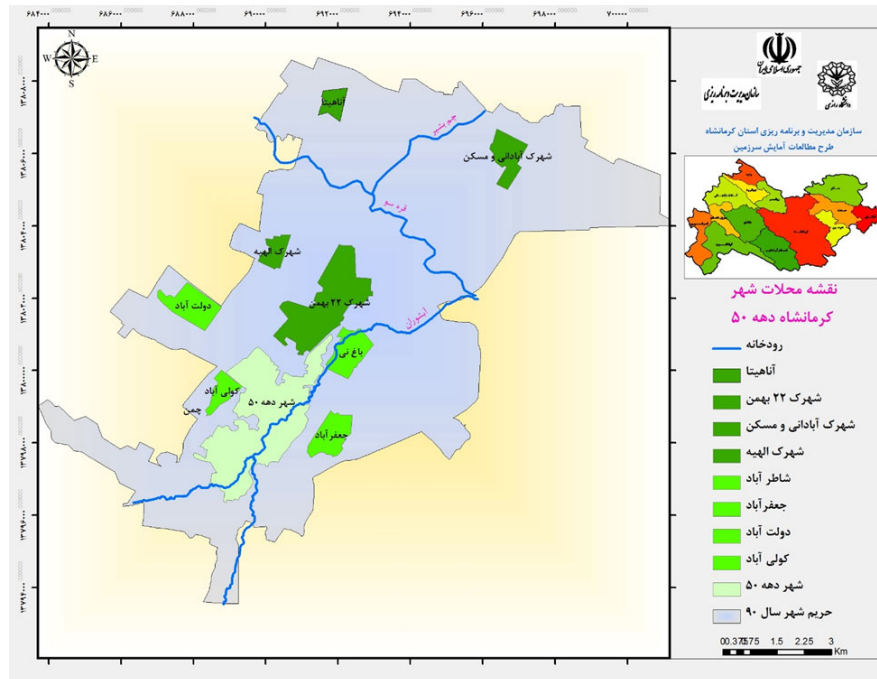
باغنی به صورت گسترده برمی‌گردد به شروع ساخت‌وسازهای شهرک ۲۲ بهمن که کارگران ساختمانی در این محله ساکن شدند (همان: ۷۵). دولت‌آباد که محل اسکان سیل‌زدگان غرب کرمانشاه بود از سوی دولت به خسارت‌دیدگان واگذار شد، اما زمین‌های اطراف آن به محل سازه‌های نامطمئن بدل شد و فرودستان را به خود جذب کرد (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۸۰). جعفرآباد نیز طی سال‌های اوایل دهه ۱۳۵۰ شکل گرفت و به دلیل قیمت پایین زمین‌های وقفی به محلی جذاب برای فقرای شهری بدل شد (گلنام، ۱۳۶۱: ۱۱۴). کولی‌آباد که حاصل تجمع چند سکونت‌گاه ناپایدار بود توسط مردم تسخیر و با ساخت سرپناه برای افراد با فقر شدید شکل گرفت (همان: ۱۲۱). شکل‌گیری این مناطق حاشیه‌ای مقارن تأسیس شهرک‌هایی بود که دولت برای تأمین مسکن شهری بنا می‌کرد.



نقشه ۳. تغییرات شهر کرمانشاه طی دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۹۷)

باید تصریح کرد مهاجرت روستاییان به شهر یکی از اهداف برنامه‌ریزی‌شده دولت بود. «شاه با سربلندی پیش‌بینی می‌کرد در آینده‌ای نه‌چندان دور (تا سال ۱۳۶۰) جمعیت روستاها به ۵ تا ۶ درصد جمعیت کل کشور کاهش خواهد یافت» (سوداگر، ۱۳۶۹: ۲۷۹). بر اثر همین سیاست‌ها طبق آمار بانک مرکزی سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۳۶/۸ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۸/۵ درصد در ۱۳۵۶ کاهش یافت (همان: ۲۸۷). تولید سرانه کشاورزی در مقایسه با دیگر رشته‌های اقتصاد ملی سیر نزولی طی کرد، به طوری که در مقابل افزایش ۱۰

برابری درآمد سرانه کشور از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۳، درآمد بخش کشاورزی دو برابر شد (همان: ۲۸۸).



نقشه ۴. محلات حاشیه‌نشینی‌شده کرمانشاه و شهرک‌سازی‌ها در دهه ۱۳۵۰

فقر روستاییان که در مقابل رفاه شهر بیش از پیش به آن آگاهی پیدا کرده بودند دلیل دیگر مهاجرت روستاییان به شهرها بود. میانگین هزینه مصرفی (خوراکی و غیرخوراکی) ماهانه روستاییان در سال ۱۳۵۳، ۹۸۸ ریال و شهرنشینان ۲۱۹۹ ریال بوده است (همان: ۲۸۸). در همین حال میانگین حقوق برای ۵۵ ساعت کار هفتگی کارمندان اداری در سال ۱۳۵۱، ۱۲۴۸ ریال و دستمزد کارگران کشاورزی برای ۵۹ ساعت کار ۵۵۷ ریال بود (همان: ۶۸۷).

جمهوری اسلامی

واقعه انقلاب و پیامدهای آن در هم‌افزایی با برنامه‌های اقتصادی پهلوی دوم، اثرات مهمی در فضای شهری کرمانشاه به‌جا گذاشت. وعده‌های اتویپایی انقلاب از مسکن رایگان، شغل و توجه به مستضعفان، موجی از مهاجران به سمت شهر راه انداخت که توقع برخورداری از ثمره‌های انقلاب را در سر می‌پروراندند (بیات، ۱۳۹۰: ۱۵۳). جنگ تحمیلی دومین واقعه مهم

در فهم فضای شهر کرمانشاه بعد از انقلاب است. «حدوداً ۲۵۰۰۰ نفر مهاجر جنگی در روزهای اولیه شروع جنگ در کرمانشاه اسکان داده شدند» (تدبیر شهر، ۱۳۸۲: ۲۶). طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه از ۶ کیلومتر به ۸۰ کیلومتر مربع افزایش یافت (بیات، ۱۳۹۰: ۱۵۱). آوارگان جنگی به مهاجران اضافه شدند و طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت کرمانشاه دوبرابر شد (همان: ۱۵۳).

انگیزه مهاجران روستایی اقتصادی بود. در سال ۱۳۶۱ یک خانواده روستایی کم‌تر از نصف (۴۴ درصد) خانواده شهری درآمد داشت. براساس نتایج یک تحقیق در سال ۱۳۷۳ علت مهاجرت ۸۵ درصد روستاییان اصفهان و همدان، درآمد کم و آب و زمین ناکافی بوده است (همان: ۱۵۴). سامان اقتصاد سیاسی مستقر توانایی جذب شوک‌های جمعیتی در شهر را نداشت. در سال ۱۳۵۷ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر به‌طور متوسط فقط ۱۱۷ خانه وجود داشت (همان: ۱۵۲) و با توجه به بعد ۵ نفره خانوار برای نیمی از جمعیت خانه وجود نداشت. با توجه به مهاجرت‌های بعد از انقلاب و آوارگان جنگی این وضعیت در سال‌های بعد وخیم‌تر هم شد. نرخ بیکاری از ۱۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۸/۷ درصد در سال ۶۳ افزایش یافت و ۶۴ درصد بیکاران در شهر زندگی می‌کردند (همان: ۱۵۴).

در این مقطع شهر کرمانشاه بیشترین تأثیر را از انقلاب و جنگ پذیرفت. واکنش دولت به وضعیت موجود تمهید برنامه‌های تأمین مسکن شهری بود. فعالیت‌های دولت در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ در ارتباط با حوزه مسکن در قالب شش برنامه تنظیم شد: برنامه تأمین مسکن کارگران: ۲۴۷/۵ میلیارد ریال، تأمین مسکن کارمندان: ۲۱۵/۶ میلیارد ریال، احداث خانه‌های ارزان‌قیمت: ۳۴/۸ میلیارد ریال، بازسازی مناطق آسیب‌دیده: ۲۳/۴ میلیارد ریال، تأمین مسکن روستایی: ۲۷/۲ میلیارد ریال و برنامه‌های کمک اعتباری: ۲۴/۸ میلیارد ریال (آمایش سرزمین، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

در برنامه اول که سیاست آن واگذاری زمین بود، طبق گزارش وزارت مسکن و شهرسازی در مردادماه ۱۳۶۵ حدوداً ۴۲۲/۳ هکتار زمین در شهر کرمانشاه جهت واگذاری به مشترکان آماده شد. توزیع اراضی در چهار محله دولت‌آباد، الهیه، سرخه لیژه، مرادحاصل و مسیر بلوار زن به ترتیب جدول ۲ اجرا شد.

طبق قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده شد، زمین‌های مورد نیاز برای مسکن و خدمات عمومی را علاوه بر استفاده از زمین‌های موات و دولتی از اراضی بایر شهرداری هم استفاده کنند و اشخاص حقیقی و حقوقی مالک این زمین‌ها موظف به همکاری و مکلف به واگذاری این زمین‌ها شدند (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۱۹۰). تا سال

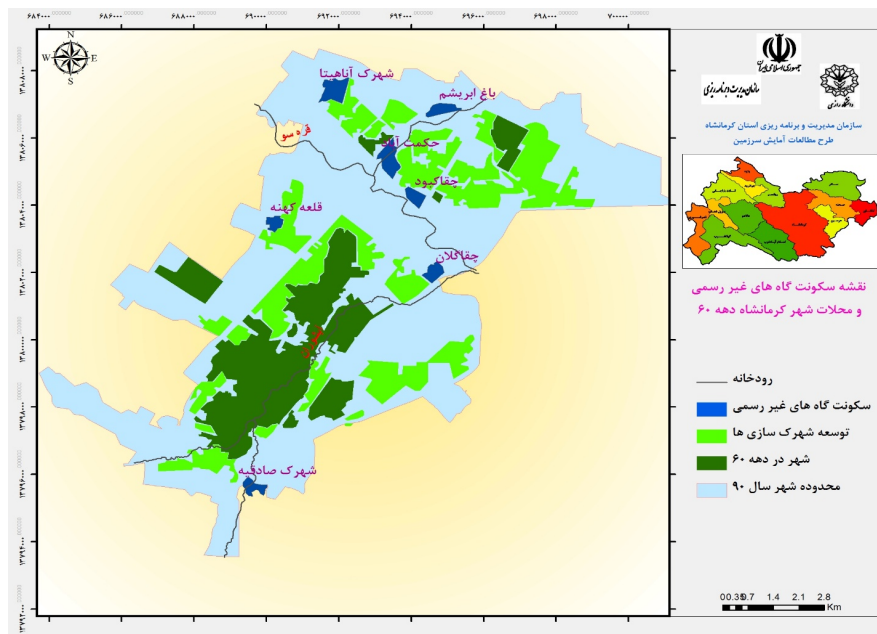
۱۳۶۵ تعاونی‌های مسکن فعالیت‌های محدودی داشتند و در حیطة تأمین نیاز مسکن عمومی تلاش می‌کردند، ولی این تعاونی‌ها از سال ۱۳۶۵ به متقاضیان اصلی زمین تبدیل شدند. تعاونی‌ها از ضعف دستگاه‌های تصویب‌کننده و قدرت خود استفاده می‌کردند و زمین‌های بزرگ و حاشیه‌خارج از محدوده شهری را به صورت قانونی به محدوده شهر اضافه می‌کردند و با یک آماده‌سازی حداقلی به فروش می‌رساندند (تدبیر شهر، ۱۳۸۲: ۲۸).

جدول ۲. آماده‌سازی زمین شهری در مردادماه ۱۳۶۵ - منبع: (آمایش سرزمین، ۱۳۹۶: ۱۲۲)

مساحت (هکتار)	دولت‌آباد	الهییه	بلوار زن	سرخه لیژه	مراد حاصل
۲۳	۴۱,۳	۱۹,۶	۱۶۵,۴	۱۷۳	
۴۵۵	۶۳۱	۳۳۸	۴۱۸۸	۳۱۹۹	
۱۸۰ الی ۲۷۰	۱۸۰ الی ۳۴۸	۱۶۰ الی ۲۴۰	۱۶۰ الی ۲۴۰	۱۷۵ الی ۲۹۰	

متراز زمین‌های واگذارشده و هزینه ساخت، فقرای شهری را به فروش زمین‌هایشان مجبور کرد. این زمین‌ها به ابزار سرمایه‌گذاری برخورداران و طبقه متوسط شهری بدل شد و دست تهی‌دستان همچنان از مسکن خالی ماند. تا سال ۱۳۶۷ که تعاونی‌های مسکن متولی رفع مشکلات مسکن اقشار کم‌درآمد بودند، خود به سوداگران زمین تبدیل شدند. توسعه شهر به واسطه شهرک‌سازی‌ها به ادغام برخی مناطق روستایی با شهر منجر شد. طی دهه ۱۳۶۰ روستاهای چقامیرزا و چقاگلان که داخل شهر افتادند، اما بافتی روستایی داشتند به دلیل قیمت پایین زمین و اسکان مهاجران، حاشیه‌نشینی‌سازی شدند.

سیاست واگذاری زمین باعث گسترش شهرک‌ها در کرمانشاه شد. تا سال ۱۳۶۵ شهرک‌های فرهنگیان، کارمندان و تعاون در شمال شهر و کیان‌شهر، رسالت و آریاشهر در شرق شهر ساخته شدند (قلی‌پور، ۱۳۹۱). اما با بالا رفتن هزینه زمین در تولید مسکن، پایین بودن توان مالی خانوارها در مقایسه با قیمت واحد مسکونی، پایین بودن سهم وام‌های بانکی از کل قیمت تمام‌شده، عدم امکان حضور تولیدکنندگان خرد و اقشار کم‌درآمد (اطهاری، ۱۳۷۴: ۶۳) فرودستان شهری از بازار مسکن رسمی کنار گذاشته شدند و به مناطق حاشیه‌ای پناه بردند. بعد از آغاز دولت سازندگی، از اوایل دهه ۱۳۷۰ رویکرد دولت به سمت رشد عمودی و بلندمرتبه‌سازی در شهرها بود. تهیه مسکن برای کارمندان دولتی و وام ارزان‌قیمت سیاست غالب شد، اما سیاست اجاره به شرط تملیک نیز به دلیل اقساط منظم و نسبتاً بالا نسبت به دستمزد شاغلان روزمزد، تهی‌دستان شهری را دربر نمی‌گرفت.



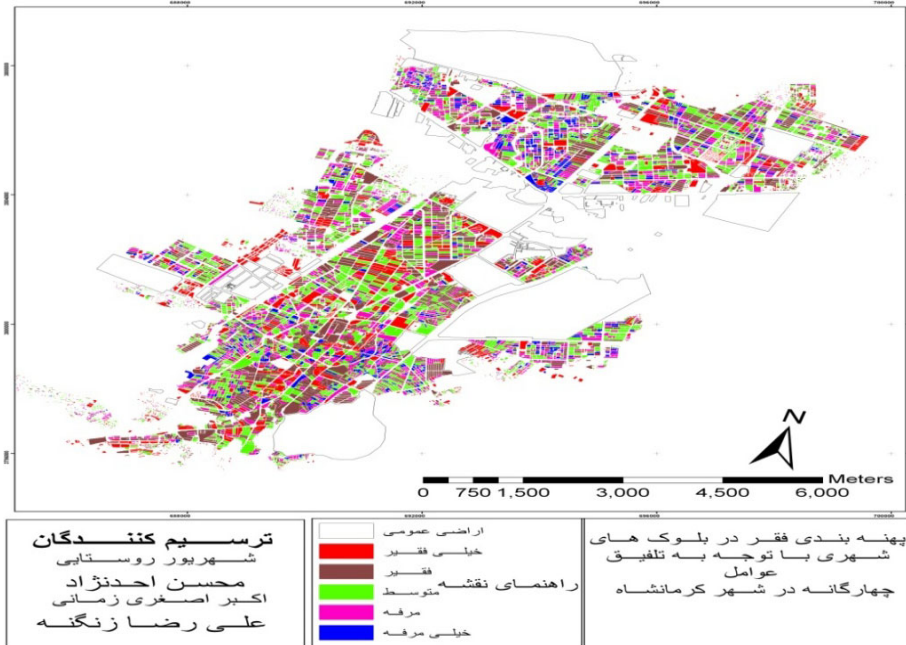
نقشه ۵. محلات حاشیه نشین شده در دهه ۱۳۶۰

سیاست‌های تهیه مسکن طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به گسترش شهرک‌های اقماری در کرمانشاه شد. در شمال شرق شهرک‌های ظفر، تکاور، هوانیروز، جهاد، پرواز، نساجی؛ در شرق شهرک‌های سپاه، کهریز (آزادگان)، بسیج، فاز دوم شهرک سجادیه، شهر سالم و شهرک نیروی انتظامی؛ در غرب شهرک‌های گل‌ها، شهرک چقامیرزا، اتوبوسرانی، تاکسیرانی، دادگستری، شهرک تیمسار نجفی، فاز چهارم الهیه، بنیاد مستضعفان و جانبازان و در جنوب شهرک‌های ژاندارمری، شهرک جهاد و پردیس سر برآوردند (قلی‌پور، ۱۳۹۱).

قیمت زمین در کرمانشاه در سال ۱۳۷۴ براساس تصمیم کمیسیون تقسیم املاک شهرستان کرمانشاه در تاریخ ۷۴/۸/۱۵ در مناطق جنوب شهر در محدوده خیابان کسری از ۱۷۰۰ تومان تا ۶۰ هزار تومان برای هر متر مربع تعیین شد. در همین سال قیمت زمین در شهرک‌های کیان‌شهر و آریاشهر از ۴۰۰ تومان تا ۳۰ هزار تومان برای هر متر مربع تعیین شد (طرح جامع، ۱۳۸۱: ۲۲). حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار در سال ۱۳۷۴ با تورم ۴۹ درصدی ماهیانه ۱۶ هزار تومان بود (مرکز آمار، ۱۳۹۱).

طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ دولت با طرح جامع مسکن اقدامات وسیعی در تولید مسکن آغاز کرد. مطابق آمار بانک مرکزی سالانه ۳۷۰ هزار واحد مسکونی به بازار عرضه شد که این میزان تا پایان سال ۱۳۸۴ به ۴۰۰ هزار واحد رسید (آقایی، ۱۳۹۶: ۱۱). اما این واحدهای مسکونی نیز گرهی از معضل مسکن تهی‌دستان شهری باز نکرد. تا پایان سال ۱۳۸۴ حدود ۵۰ درصد از کل خانوارهای فاقد مسکن در کشور، عضو دهک‌های درآمدی ۱ تا ۴ بودند (همان). در دهه ۱۳۸۰ دولت نهم با مسکن مهر گام بلندی برای تأمین مسکن فرودستان برداشت. ایده مرکزی مسکن مهر حذف بهای زمین از قیمت خانه بود، اما به دلیل شکاف بزرگ توان مالی فرودستان و قیمت خانه در نهایت مسکن مهر به موضوع سوداگری طبقه متوسط بدل شد و از هدف اصلی‌اش باز ماند. در ابتدا امکان خرید و فروش این مسکن‌ها وجود نداشت، که به دلایل حقوقی خیلی مهم بود، ولی در دوره‌های بعدی قابل خرید و فروش هم شد و بعد از آن این بحث مطرح شد که مسکن مهر قرار نیست که دهک‌های پایین جامعه را شامل بشود، بلکه برای دهک‌های بالاتر است و کم مسکن مهر، از یک طرح حمایتی افراد کم‌درآمد به مسکن افشار طبقه متوسط تبدیل شد (هزارجریبی و امامی غفاری، ۱۳۹۸: ۱۱).

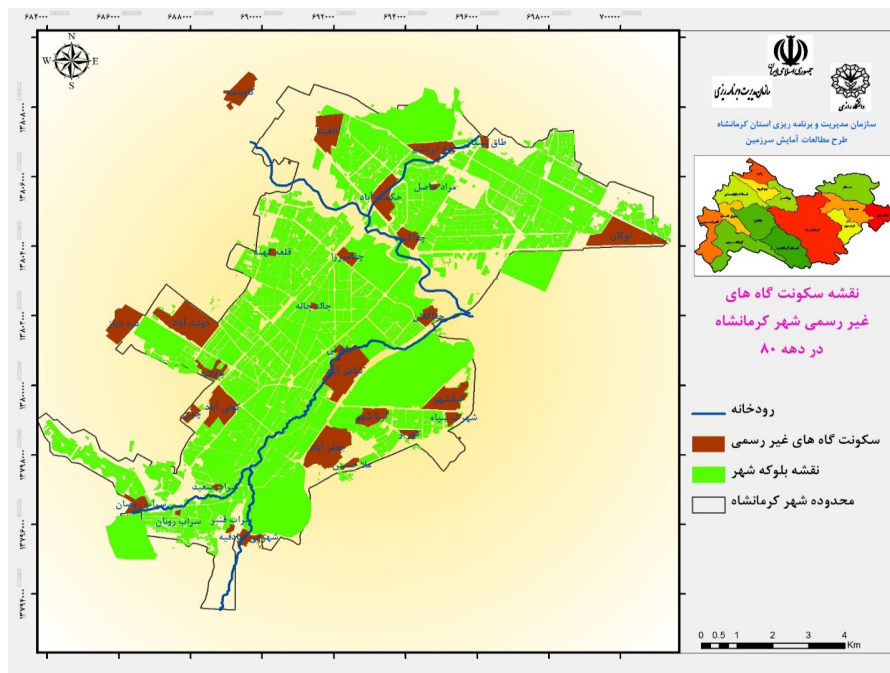
برای ارزیابی نتایج سیاست‌های مسکن در کرمانشاه تا سال ۱۳۹۰ می‌توان آمار برخی تحقیقات را گواه گرفت. براساس تحقیق روستایی و همکاران (۱۳۹۱) براساس شاخص‌های تلفیقی فقر در سال ۱۳۷۵، ۱۰ درصد بلوک‌های شهر خیلی فقیر، ۱ درصد فقیر، ۸۰ درصد متوسط، ۱ درصد مرفه و ۳ درصد بلوک‌های شهری خیلی مرفه بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵ این ارقام تغییر چشم‌گیری کرده‌اند؛ ۲۱ درصد خیلی فقیر، ۲۲ درصد فقیر، ۲۹ درصد متوسط، ۲۰ درصد مرفه و ۸ درصد بلوک‌ها خیلی مرفه شده‌اند (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰ و ۳۱) که نشان‌دهنده قطبی‌شدن شهر میان اکثریت فقیر و اقلیت مرفه است.



نقشه ۶. پهنه بندی فقر در بلوک های شهری کرمانشاه با تلفیق عوامل چهارگانه در سال ۱۳۸۵ (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳)

سیاست های مسکن دولت اعتدال با فراز و فرودهای مهلک در اقتصاد کلان کشور از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ در شش محور قابل تلخیص است: ۱. ملاحظات فنی و ساخت مسکن؛ ۲. بهسازی و نوسازی بافت فرسوده؛ ۳. توجه به حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی؛ ۴. تأمین مسکن حمایتی و اجتماعی؛ ۵. توجه به وضعیت مهاجرت، آمایش و حاشیه نشینی، مسکن نیازمندان؛ ۶. تأمین مسکن ایثارگران (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۸: ۸). در این دوره نیز توفیقی در ارتباط با وضعیت مسکن برای اقشار کم درآمد حاصل نشد. یکی از احکام مخصوص در برنامه ششم توسعه، تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک ساخت یا خرید خانه است که سالیانه تهیة حداقل پنجاه هزار واحد مسکن برای اقشار کم درآمد با اولویت شهرهای زیر صد هزار نفر جمعیت بوده است که دستگاه های متولی هیچ اقدام درخور توجهی در این راستا انجام نداده اند. وزارت راه و شهرسازی نیز در مستند کردن عملکرد خود در انطباق با برنامه ششم توسعه، به پرداخت یارانه ارزان قیمت به خانوارهای مسکن اول در قالب صندوق پس انداز مسکن یکم اشاره کرده است، اما در عمل افرادی از این

تسهیلات استفاده کرده‌اند که اغلب در دهک‌های میانی جای می‌گیرند و خانوارهای کم‌درآمد از این تسهیلات بهره‌ای نبرده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۶). نقشه ۷ محلات حاشیه‌نشینی‌شده کرمانشاه در پایان دهه ۱۳۸۰ را نشان می‌دهد. از آنجا که این نقشه از سوی سازمان برنامه تهیه شده، از عنوان سکونت‌گاه غیررسمی^۱ در توصیف این مناطق استفاده کرده است. از همین منظر این نقشه همه مناطق حاشیه‌نشینی‌شده را پوشش نداده و برای مثال محله فیض‌آباد را از قلم انداخته و در شناسایی محلات حاشیه‌نشینی‌شده به بافت مسکونی به‌جای مناسبات اجتماعی و اقتصادی پردکننده توجه داشته است. بر این اساس نقشه‌های طرح آمایش تنها ارزش جانمایی برخی محلات حاشیه‌ای کرمانشاه را دارد و منطق آن مورد دفاع نیست.



نقشه ۷. محلات حاشیه‌نشینی‌شده در پایان دهه ۱۳۸۰

^۱ . عنوان سکونت‌گاه غیررسمی در ادبیات بوروکراتیک جایگزین حاشیه‌نشینی شد که بار انگ آن را کاهش دهد. در ارجاع به پدیده حاشیه‌نشینی‌سازی، هر دو مفهوم به یک اندازه گمراه‌کننده هستند.

در ارزیابی سیاست‌های کلان مسکن در ایران باید گفت نظام مالی و بانک‌ها در ایران خود از سوداگران بخش مسکن هستند و تسهیلات تهیه مسکن بخش ناچیزی از قیمت مسکن (۱۸ درصد در سال ۱۳۹۸) (وزارت کار و رفاه، ۱۴۰۰: ۱۰) را شامل می‌شود، این در حالی است که همین وام نیز نصیب افراد معدودی می‌شود. براساس ابلاغیه افشای زمین و ساختمان سازمان بورس (۱۴۰۰) بانک‌ها حدود ۳۷ میلیون متر مربع زمین با کاربرهای مختلف در تملک داشته‌اند که در یک سال گذشته ثابت بوده که معنای آن سوداگری بانک‌ها در بازار زمین و ساختمان است. این درحالی است که در سی سال گذشته ۸۰ درصد تسهیلات بانکی به دو دهک ثروتمند رسیده است (امیدی، ۱۳۹۷).

بر این اساس می‌توان گفت مشکل مسکن در ایران نه عرضه که سرمایه‌سالاری در این حوزه است. در سال ۱۳۹۲ به ازای ۲۲/۱ میلیون خانوار کشور ۲۰/۹۳ میلیون مسکن وجود داشته است. در سال ۱۳۹۰ حدود ۱/۶ میلیون واحد مسکن خالی در کشور وجود داشته که به‌علاوه واحدهای مسکونی دارای ساکن بیش از تعداد خانوار مسکن در کشور وجود دارد (وزارت راه، ۱۳۹۴: ۵-۶) اما نسبت مالکیت مسکن در خانوارهای شهری از ۷۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۶۶/۸ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است (همان: ۷). این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۶۴/۱ درصد کاهش یافته است (وزارت کار و رفاه، ۱۴۰۰: ۱۲).

مدت زمان انتظار برای خانه‌دار شدن در سال ۱۳۹۸، ۲۴/۴ سال بوده که میانگین جهانی آن ۱۰ سال است (همان: ۱۰). براساس گزارش وزارت راه سال‌های انتظار برای خانه‌دار شدن در سال ۱۴۰۰ به ۱۷۸ سال برای دهک اول، ۱۰۹ سال برای دهک دوم و ۷۹ سال برای دهک سوم رسیده است (ایری، ۱۴۰۰).

فقر مسکن شامل دو بعد بدمسکنی^۱ و مسکن غیرمقرون‌بصرفه^۲ است. در سال ۹۵، ۳۵ درصد جمعیت شهری کشور دچار فقر مسکن و ۴۵ درصد آن‌ها فاقد مسکن مقرون به صرفه هستند (وزارت کار و رفاه، ۱۴۰۰: ۲۴-۲۵). ۳ درصد خانوارهای کشور و ۱ درصد خانوارهای شهری دچار فقر شدید مسکن^۳ هستند. نرخ بدمسکنی در کرمانشاه ۱۵/۷ درصد است.

^۱ . افرادی که حداقل دچار یک محرومیت مسکن (دسترسی به آب، دسترسی به سرویس بهداشتی، مکان زندگی کافی، مسکن بادوام و امنیت تصدی) هستند.

^۲ . در تعریف جهانی هر خانواری که سهم مسکن بیش از ۳۰ درصد هزینه‌های آن‌ها باشد دچار بدمسکنی هستند، زیرا در صورتی که هزینه مسکن سایر نیازهای اساسی زندگی را تهدید کرده یا به خطر بیندازد مقرون به صرفه نیست و وضعیت بدمسکنی محسوب می‌شود. در این گزارش این وضعیت به مسکن غیرمقرون به صرفه تعبیر شده است که از بدمسکنی متمایز شود.

^۳ . کسانی که هم دچار بدمسکنی هستند و هم مسکن آن‌ها مقرون به صرفه نیست.

همچنین ۳۲ درصد از خانوارهای شهری استان کرمانشاه از مسکن مقرون بصرفه محروم هستند و ۲/۶ درصد خانوارهای کرمانشاه دچار فقر شدید مسکن هستند (وزارت کار و رفاه، ۱۴۰۰: ۲۷-۲۳).

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی‌شدگی پدیده‌ای فراتر از وضع کالبدی یا سطح اقتصادی خانوارهای شهری است. سیاست‌های کلان اقتصادی و مناسبات توزیع که به انباشت سرمایه دامن می‌زند و دولت در ایران مهم‌ترین کارگزار آن است از علل بنیادی حاشیه‌نشینی‌سازی است. در مرور داده‌های مقاله تلاش بر این بود که این وجه از عوامل حاشیه‌نشینی‌شدگی مورد تأکید قرار گیرد. حاشیه‌نشینی‌سازی در دولت‌های مختلف گسترش پیدا کرده که نشان‌دهنده ثبات اقتصاد سیاسی کلان در صد سال گذشته است.

از یک سو سیاست‌های توسعه معطوف به شهر به‌منابۀ محمل سرمایه بوده و به همین دلیل نیاز به نیروی کار در صنایع و خدمات مورد شهری به تجمع نیروی کار ارزان‌قیمت در حاشیه شهرها منجر شده است. فضای کالبدی شهر نیز به این قطبی شدن محل سکونت دامن زده است و مناطقی که با نزدیکی به بازار به جذب سرمایه کمک می‌کنند با بالا بردن قیمت زمین و هزینه مسکن، نیروی کار را از دسترسی به مناطق برخوردار طرد کرده است.

حاشیه‌نشینی تنها معلول سیاست‌های مسکن نیست، اما مسکن از مقولاتی است که ظرفیت مطالعه عینی نقش دولت در مناسبات کلان اقتصاد سیاسی را پیش می‌نهد. برای مثال سهم دولت در ساخت مسکن از ۲۰ درصد در قبل از انقلاب به ۴ درصد در سال‌های اخیر رسیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۵). سپردن مسکن به دست بخش خصوصی در کشوری که زمین تنها ابزار تولید ارزش افزوده است با بورس‌بازی به تولید رانت منجر می‌شود و مسکن را به کالایی برای جبران جای خالی سرمایه‌داری صنعتی بدل می‌کند. دولت از رهگذر برنامه‌های توسعه و قوانین، خود از رانت‌خواران زمین است. علاوه بر این مسکن در دهه‌های اخیر در ایران پیش‌ران اقتصاد معرفی شده و دولت صراحتاً از آن به‌عنوان مهم‌ترین حوزه تولید ارزش افزوده بهره می‌گیرد و درآمد کسب می‌کند.

از این منظر حاشیه‌نشینی‌شدگی تنها امری کالبدی نیست و فهم آن موکول به مطالعه مکانیزم‌های جذب و طرد است که ابعاد اقتصادی و فرهنگی متنوعی دارد. برای فهم حاشیه‌نشینی‌شدگی باید از رویکردهای مسلط فراتر رفت و مناسبات کلان اقتصاد سیاسی را به تحلیل کشید. سیاست‌های توسعه در ایران همواره تحت تأثیر رویکرد سرمایه‌محور، قربانیان خود را داشته است که حاشیه‌نشینی‌شدگان بخش رؤیت‌پذیر آن هستند. این فرایند به گونه‌های

مختلف حاشیه‌نشین‌شدگان دامن زده است که فرودستان شهری بخش کوچکی از آن‌ها محسوب می‌شوند.

مهاجرت به شهر خود معلول این مکانیزم است و مهاجران براساس منطق مسلط اقتصادی همواره ناچار از «کوچ در پی کار و نان» (مالجو، ۱۴۰۰) بوده‌اند. زهکشی سرمایه از روستا به شهر و از پیرامون به مرکز جهانی عامل اصلی مهاجرت محسوب می‌شود. از این منظر مهاجرت روستاییان به شهر را نمی‌توان علت حاشیه‌نشین‌شدگی بلکه باید معلول مناسباتی دانست که افراد را به مهاجرت مجبور کرده است.

دولت در ایران همواره نقش اصلی در گسترش منطق سرمایه‌داری داشته، اما دولت نیز ناگزیر از اجرای سیاست‌هایی است که منطق فراگیر سرمایه جهانی براساس آن کار می‌کند. با این اوصاف مسئله حاشیه‌نشین‌شدگی را نمی‌توان از رهگذر مقولاتی مانند توانمندسازی، تاب‌آوری یا مهاجرت معکوس و با تلقی کالبدی از میان برداشت. اگر فرا رفتن از داده‌های این نوشته مجاز باشد می‌توان این وضعیت را در کل کشور و در نسبت استان‌های حاشیه‌شده و مرکزی مشاهده کرد. به‌نظر می‌رسد قرابتی میان وضعیت مناطق کشور در سطح ملی با وضعیت مناطق حاشیه‌شده در یک شهر وجود دارد که مقایسه آن‌ها به مطالعه و فهم منطق این پدیده کمک می‌کند.

توسعه مهم‌ترین کلان‌روایت علوم اجتماعی برای تحلیل نقش دولت در مناسبات اقتصادی و اجتماعی است. این مفهوم نیز تحت تأثیر تجربیات تاریخی در کشورهای مختلف مورد بازاندیشی قرار گرفته و با مفهوم توسعه پایدار جایگزین شده است. تا جایی که به این نوشته مربوط می‌شود، بخش مهمی از توسعه پایدار به برابری اقشار جامعه در برخورداری از مواهب آن مربوط است. چنان‌که ریمون بودن (۱۳۹۴) تصریح می‌کند، توسعه تحت تأثیر مناسبات سیاسی و تاریخی محیط اطراف آن می‌تواند به نتایج ناخواسته‌ای منجر شود که خلاف اهداف تعریف‌شده آن است. بخشی از تکلیف علوم اجتماعی، بازاندیشی برنامه‌های توسعه ناموزون در ایران و مطالعه اثر مناسبات سیاسی و محیطی بر آن، برای اصلاح فرایندهای پیش‌رو است که این مقاله تلاش کرده است گام کوچکی در این مسیر باشد.

منابع

- اطهاری، کمال (۱۳۷۴) حاشیه‌نشینی در ایران: علل و راه‌حل‌ها، گزارش مرحله چهارم در برنامه‌ریزی کالبدی مسکن و اسکان غیررسمی بخش اول و دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- اطهاری، کمال (۱۳۹۰) «مسکن»، در گزارش وضعیت اجتماعی ایران، تهران: مؤسسه رحمان.

- ازدري، محمدحسين؛ روستا، مجيد (۱۳۸۷) «چهره‌نمایی مسکن غیررسمی در ایران»، در سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن.
- امیدی، رضا (۱۳۹۷) صفحه شخصی در پیام‌رسان تلگرام، آدرس https://t.me/Omidi_Reza/288
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۰) «بررسی اجمالی از روند رشد و توسعه شهر کرمانشاه»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۸: ۴۱-۴۸
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹) سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی در ایران، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹) «مرور تجربه کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی: نمونه شهر کرمانشاه»، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۰: ۷۸-۵۹.
- ایری، عبدالجلال (۱۴۰۰) گزارش نماینده وزارت راه در کمیسیون عمران مجلس، <https://tn.ai/2590216>
- آقایی، پرویز (۱۳۹۶) ارزیابی سیاست‌ها و تأمین مسکن شهری در جمهوری اسلامی (با تأکید بر طرح‌های نمونه، برنامه‌های توسعه و دوره‌های ریاست جمهوری)، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- آمایش سرزمین (۱۳۹۶) مجلد نظام شهری، کرمانشاه: سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه.
- بیات، آصف (۱۳۹۰) سیاست‌های خیابانی، ترجمه ا. نبوی، تهران: شیرازه.
- بودن، ریمون (۱۳۹۴) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک، ترجمه باقر پرهام، ج ۲، تهران: نشر مرکز.
- تدبیر شهر (مهندسیین مشاور) (۱۳۸۲) مطالعات امکان‌سنجی، بهسازی و شهرنگری و توانمندسازی اجتماعی شهر کرمانشاه، گزارش پژوهش‌ها، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- حسامیان، فرخ (۱۳۶۳) «شهرنشینی مرحله گذار»، در شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
- خسروی، خسرو (بی‌تا) جامعه‌شناسی روستای ایران، بی‌جا.
- رستمی، مسلم؛ شاعلی، جعفر (۱۳۸۸) «تحلیل توزیع خدمات شهری در کرمانشاه»، چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۹(۴): ۲۱-۵۲.
- روستایی، شهریور و همکاران (۱۳۹۱) «الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۳(۱۲): ۱۷-۴۰.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸) «دولت و شهرنشینی در ایران»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پیش شماره پاییز و زمستان: ۱۴۳-۱۶۵.
- سازمان برنامه (۱۳۴۳) گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم، گزارش‌های سازمان برنامه.
- سازمان بورس (۱۴۰۰) ابلاغیه افشای فهرست زمین و مسکن بانک‌های بورسی. Codal.ir
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹) رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش، تهران: شعله اندیشه.
- طرح جامع کرمانشاه (۱۳۸۱) وزارت مسکن و شهرسازی کرمانشاه.

- قلی‌پور، سیاوش؛ زارع، معصومه (۱۳۹۱) «برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی*. شماره (۲) ۱۹: ۸۵-۱۱۵.
- قلی‌پور، سیاوش و همکاران (۱۳۹۳) «بازگشت طردشدگان ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره (۱) ۲۱: ۶۳-۸۷.
- کلارک، جان. آی؛ کلارک، برایان. دی (۱۳۹۵) *کرمانشاه شهری در ایران*، ترجمه سیاوش قلی‌پور، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- گلنام، محمدناصر (۱۳۶۱) *مختصری درباره حاشیه‌نشینان کرمانشاه (باختران)*، تهران: چاپ شقایق.
- مارکس، کارل (۱۳۹۶) سرمایه، ترجمه حسن مرتضوی، ج ۳، تهران: لاهیتا.
- مالجو، محمد (۱۴۰۰) *کوچ در پی کار و نان؛ فعالیت منفعلانه مستمندان آذربایجان از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ خورشیدی*، تهران: اختران.
- مرکز آمار (۱۳۹۱) *سرشماری نفوس و مسکن از ۱۳۳۵-۱۳۹۰*.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸) *بررسی لایحه بودجه کل کشور*، گزارش ۱۳ مسکن و شهرسازی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۹) *بررسی لایحه بودجه کل کشور*، گزارش ۳۰ مسکن و شهرسازی.
- معمارباشی، محمدرضا؛ فرهادی محمد؛ قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۹) «اقتصاد سیاسی طرد حاشیه‌نشین‌سازی محله شهید در کرمانشاه»، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲۱ (۲): ۹۶-۱۲۴.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۹۹) «نقش دولت در غلبه سرمایه‌داری در ایران»، *نقد اقتصاد سیاسی*، www.pecritique.com
- وزارت راه، مسکن و شهرسازی (۱۳۹۴) *طرح جامع مسکن ۱۳۹۳-۱۴۰۵ سند تلفیق*، گزارش‌های داخلی.
- وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی (۱۴۰۰) *فقر مسکن؛ مجموعه گزارش‌های فقر چندبعدی*، گزارش شماره ۸۳.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۲) *شهری شدن سرمایه*، ترجمه عارف اقوامی‌مقدم، تهران: دات.
- هزارجریبی، جعفر؛ امامی غفاری، زینب (۱۳۹۸) «بررسی تحولات سیاستگذاری رفاهی مسکن در ایران»، *برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی شهری*، شماره ۳۸: ۷۶-۱۲۰.

- Muncie, J. (2006) "Critical Research", In *The Sage Dictionary of Social Research Methods*, Victor Jupp (ed), Sage Publications: London.
- Clark, D.B.; Costello, V. (1973) "The Urban System and Social Pattern in Iranian Cities", *Transactions of the Institute of British Geographers*, No 59: 99-128.